

## پیامدهای ملی و منطقه‌ای بر کناری نظامیان

### از صحنه سیاسی مصر

محمد مرسی، رئیس‌جمهوری مصر، روز یکشنبه ۲۲ مرداد فرمان‌هایی مهم و تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز صادر کرد که توجه تمامی ناظران داخلی و خارجی را به خود جلب نمود. وی در یک فرمان ریاستی، ژنرال حسین طنطاوی رئیس شورای عالی نظامی و وزیر دفاع و ژنرال سامی عنان رئیس ستاد مشترک ارتش مصر را از تاریخ صدور این فرمان بازنشسته کرد و در فرمان دوم، متمم قانون اساسی صادره از سوی شورای عالی نظامی را لغو نمود. همچنین، رئیس‌جمهور مصر طی فرمان دیگری محمد مکی، یکی از بلندپایه‌های دستگاه قضایی، را به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور منصوب کرد. محمد مرسی برای تثبیت موقعیت نیروهای مسلح مصر، ژنرال عبدالفتاح سیسی را به‌عنوان وزیر دفاع انتخاب نمود. محمد مرسی در شرایطی این فرمان‌ها را صادر کرد که لشکر چهارم مصر در پی عملیات حمله به قرارگاه مرزی رفح در صحرای سینا در نیمه مرداد و کشته و مجروح شدن ده‌ها تن

\* رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

از مرزبانان مصری وارد عملیات نظامی گسترده برای پاک‌سازی منطقه از عناصر مهاجم شده بود. وی برای جلوگیری از گسترش دامنه گمانه‌زنی‌ها در مورد دلایل این اقدام خود در مراسم افطار دانشگاه الازهر در همان شب طی سخنان کاملاً مذهبی تأکید کرد که فرمان‌های صادر شده هیچ‌کس و یا هیچ نهادی را هدف قرار نداده، بلکه انگیزه اصلی‌اش حفظ جایگاه نیروهای مسلح مصر در ماموریت و رسالت اصلی‌شان یعنی پاسداری از امنیت کشور بوده است. رئیس‌جمهور مصر هم‌زمان با صدور فرمان بازنشسته کردن دو ژنرال قدرتمند ارتش مصر؛ یعنی طنطاوی و عنان، علاوه بر دادن دو نشان مهم ملی به آنان، طی حکم جداگانه‌ای آنها را به‌عنوان مشاوران رئیس‌جمهور در امور نظامی منصوب کرد. بدین ترتیب و با این اقدام رئیس‌جمهور مصر، می‌توان گفت حاکمیت سیاسی این کشور که پس از انقلاب شکل دوگانه و یا حاکمیت دوپایه به خود گرفته بود، به سرعت شکل تک‌پایه به خود گرفت و رئیس‌جمهور مصر به‌طور کلی مسئولیت اداره همه امور کشور را در دست گرفت.

واکنش به این اقدام محمد مرسی در مصر مانند دیگر تحولات اخیر این کشور گوناگون و در پاره‌ای موارد جنبه متضاد به خود گرفت. پاره‌ای از نیروهای سیاسی لیبرال مسلک مصر این اقدام رئیس‌جمهور را تلاش برای «اخوانی کردن تمامی ارکان قدرت» (اشاره آنها به اخوان‌المسلمین است) ارزیابی کردند. پاره‌ای دیگر در ساعات شامگاهی به خیابان‌ها و به میدان تحریر قاهره رفتند و از این اقدام رئیس‌جمهور جانبداری کردند، این نیروها که به‌طور عمده از نیروهای شرکت‌کننده در انقلاب ملت مسلمان مصر بودند، این گام محمد مرسی را گام مهم در راه تحقق هدف‌های انقلاب تلقی کردند. پاره‌ای دیگر از نیروهای انقلابی مصر و به‌طور مشخص جنبش شش آوریل از منظر دیگری نسبت به این اقدام رئیس‌جمهور مصر ابراز ناخشنودی کردند. به گفته سخنگویان جنبش شش آوریل، رئیس‌جمهور نباید این فرصت را به‌ویژه به دو ژنرال قدرتمند ارتش می‌داد تا بدون پاسخگویی به اتهامات وارده به آنان طی دوره تصدی مسئولیت قوه مجریه صحنه را ترک کنند. بدین ترتیب می‌بینیم که در واکنش‌های داخلی طیفی از قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها شکل گرفت که یک سر آن مخالفت

یکدست کردن قدرت بود و سر دیگر آن مخالفت با کناره‌گیری آنان بدون محاکمه و بلکه با اعطای نشان ملی به آنان.

این نوشتار قصد دارد ابعاد ملی و منطقه و پیامدهای اقدام اخیر محمد مرسی رییس‌جمهور اسلام‌گرای مصر را مورد ارزیابی قرار داده و در این زمینه به‌ویژه به دو واکنش ایالات متحده آمریکا و اسرائیل نسبت به این اقدام رییس‌جمهور مصر بپردازد.

نگارنده قبلاً در موضوع ورود ارتش مصر به دوره مسئولیت مستقیم سیاسی، این پرسش را مطرح کرد که نیروهای مسلح مصر که در پایان دوره زمامداری حسنی مبارک آغوش ملت را بر وفاداری همه‌جانبه به همتای نظامی خود (حسنی مبارک) ترجیح داد و عملاً با انقلاب ملت مصر همراهی کرد، از چه الگویی برای دوره‌گذار به دموکراسی پیروی خواهد کرد؟ آیا نیروهای مسلح مصر مانند ارتش کشور پرتغال به صورت داوطلبانه قدرت را به یک دولت منتخب واگذار خواهد کرد و یا از الگوی نیروهای مسلح اسپانیا پس از دوره ژنرال فرانکو پیروی خواهد کرد که قدرت را پس از احیای سلطنت در اسپانیا به نظام پارلمانی واگذار نمود؟ اینک اگر پیامدها و پس‌لرزه‌های مربوط به این اقدام رییس‌جمهور مصر را خاتمه یافته تلقی کنیم، می‌توانیم برای رفتار و الگوی عملی شده در مصر، قرائت و قضاوت دیگری داشته باشیم. واقعیت این است که نیروهای مسلح مصر به صورت داوطلبانه و بی‌هیچ قید و بندی قدرت را واگذار نکردند. این درست است که شورای عالی نظامی مصر از قبل وعده داده بود که پس از برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری قدرت را به یک «دولت مدنی» واگذار خواهد کرد، اما یادمان نرود که شورای عالی نظامی مصر که از چند ژنرال دانش‌آموخته سیستم‌های نظامی به سبک و مدل اتحاد جماهیر شوروی سابق شکل گرفته و پس از روی کار آمدن انور سادات و امضای موافقت‌نامه کمپ دیوید میان قاهره و تل‌آویو تغییر ماهیت داده و به اردوی غرب گرایش پیدا کرده بود، به لحاظ پایه‌ای چندان داعیه‌ای در حوزه ماهیت دولت و عهده‌داری مسئولیت‌گذار مصر به دموکراسی، حاکمیت قانونی، استقلال قوه قضاییه و آزادی احزاب و مطبوعات نداشت. دلیل آن ارتقای شورای عالی

نظامی مصر به موقعیت قانون گذاری حتی پس از برگزاری انتخابات پارلمانی و پایبندی به صدور متمم قانون اساسی از سوی همین شورای عالی نظامی، حتی پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و روی کار آمدن محمد مرسی بود. این نشان می دهد که شورای عالی نظامی مصر بیشتر به ابقای الگوی حاکمیت دو گانه برای مدت نامعلوم در این کشور تمایل داشت، به همین دلیل بسیاری از کارشناسان سیاسی رفتار ارتش مصر را به مدل ترکیه در دهه های ۷۰ میلادی قرن پیشین (مدل دولت عمیق) تشبیه می کردند، اما به نظر می رسد عمر دولت عمیق در مصر بسیار کوتاه بود. دلیل آن شاید این باشد که مدل دولت عمیق به طور کلی رو به زوال بوده و این مدل شانس چندانی برای ادامه حیات ندارد. اما پرسش مهم این است که واقعا در مصر چه اتفاقی افتاد که این تحول به آرامی و چنان که گفته شد، بدون پس لرزه به وقوع پیوست؟ در پاسخ به این پرسش می توان به فرضیه های گوناگونی اشاره کرد. دامنه این فرضیه ها از تبانی و توافق ضمنی جنبش اخوان المسلمین مصر با ایالات متحده و نقش آفرینی محور میانه رو در منطقه در بخش پشتوانه اقتصادی به منظور گسترش مدل و الگوی ترکیه در خاورمیانه و شمال آفریقا تا ضرورت نگرستن به تحولات ساختاری مصر بر پایه انحصاری بودن و خودجوش بودن مدل مصر قابل رؤیت و بررسی است. به عنوان مثال، خانم ویکتوریا نولاند سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز دوشنبه ۲۳ مرداد در پاسخ به سیل پرسش های خبرنگاران که پرسیدند آیا ایالات متحده از پیش در جریان تحولات اخیر مصر قرار داشته یا نه، گفت: در دیدار اخیر خانم هیلاری کلینتون از مصر و مذاکره با رییس جمهور این کشور، اطلاع یافتیم که قرار است رییس جمهور مصر در شرایط مناسب به پاره ای تغییرات در ساختار نهاد نظامی این کشور اقدام کند. همچنین امیر قطر دو روز پیش از صدور فرمان های محمد مرسی طی یک دیدار چند ساعته که به گفته او برای شادباش گویی به انتخاب محمد مرسی صورت گرفت، تصمیم گرفت مبلغ دو میلیارد دلار برای پشتیبانی از اقتصاد بانکی مصر در بانک مرکزی این کشور واریز کند. این دو نشانه می تواند فرضیه نخست را کمابیش تقویت کند. اما برای احراز صحت این فرضیه، به دلایل و نشانه های بیشتری نیازمندیم.

واقعیت این است که محمد مرسی در شرایطی اقدام به صدور فرمان برکناری ژنرال‌های قدرتمند شورای عالی نظامی این کشور و لغو متمم قانون اساسی کرد که کشور مصر در اثر عملیات تهاجم به فرارگاه مرزی کرم سالم در صحرای سینا و کشته و زخمی شدن ده‌ها تن از مرزبانان مصری در فضای بسیار ملتهبی فرو رفت. در اثر همین رویداد بسیار مشکوک بود که تقریباً همه نیروهای سیاسی مصر حول این امر اجماع پیدا کردند که نیروهای مسلح مصر در زمینه حفظ و امنیت مرزها کوتاهی کرده و شورای عالی نظامی این کشور و به‌طور مشخص ژنرال طنطاوی به‌عنوان وزیر دفاع و ژنرال سامی عنان به‌عنوان رییس ستاد مشترک ارتش مصر باید پاسخگو باشند. بسیاری از نیروهای انقلابی و رهبران احزاب سیاسی مصر به این نکته اشاره کردند که اگر نیروهای مسلح به مأموریت اصلی خود؛ یعنی حفظ امنیت ملی، توجه می‌کردند و به‌طور افراطی و گسترده در بازی‌های سیاسی وارد نمی‌شدند، واقعه صحرای سینا اتفاق نمی‌افتاد. این پرسش‌ها به مجموعه فشارهای گروه‌های بیشماری از ملت مصر که در میدان تحریر قاهره گردهم می‌آمدند و از نظامیان مصری خواستند هرچه زودتر قدرت را به دولت منتخب محمد مرسی واگذار کنند، افزوده شد. در واقع رییس‌جمهور مصر از یک بستر مساعد و همراه اجتماعی برای اتخاذ تصمیماتی به حجم فرمان‌های صادره برخوردار شد. نباید از یاد ببریم که محمد مرسی کمتر از دو هفته پیش از واقعه سینا، ژنرال طنطاوی را به‌عنوان وزیر دفاع کابینه هشام قنديل معرفی کرده بود. فقط واقعه‌ای به حجم واقعه سینا می‌توانست به رییس‌جمهور مصر فرصت طلایی اتخاذ این تصمیم مهم را اعطا کند، رییس‌جمهور مصر به‌عنوان فرمانده کل قوا و پیش از صدور فرمان کشوری طنطاوی و عنان، فرمانده نظامی و نیز استاندار منطقه العریش در صحرای سینا را از مقام خود عزل کرد. مفهوم ضمنی این سخن این است که اگر واقعه سینا به‌وقوع نمی‌پیوست، ژنرال طنطاوی و ژنرال عنان همچنان در پست‌های خود باقی می‌ماندند و رییس‌جمهور مصر برای توجیه اتخاذ تصمیمی به حجم برکناری سران قدرتمند ارتش به فرصت مناسب دیگری نیاز داشت. این تحول ما را به یاد اقدام اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه،

مبنی بر محاکمه کردن قدرتمند ارتش این کشور به اتهام برگزاری نشست‌های محرمانه برای اجرای طرح کودتا علیه دولت منتخب می‌اندازد.

از سوی دیگر، محمد مرسی رییس‌جمهور مصر در کنار استفاده به موقع از یک رویداد غم‌انگیز ملی (واقعه صحرای سینا)، از پیش نسبت به پیامدهای احتمالی صدور فرمان برکناری بلندپایگان نظامی مصر آگاه بود. از این رو چگونگی خارج کردن شورای عالی نظامی از معادله سیاسی مصر را به صورت کاملاً ماهرانه و متمدانه کارگردانی کرد. ملاحظه کنید، ژنرال طنطاوی و ژنرال سامی عنان طی یک فرمان ریاستی بازنشسته می‌شوند. هم‌زمان با این فرمان دو نشان مهم ملی به این دو ژنرال اعطا می‌شود و نیز طی حکمی آنها به‌عنوان مشاوران رییس‌جمهور در امور نظامی منصوب می‌شوند. مضافاً بر این، یکی از شاگردان ژنرال طنطاوی در دانشکده افسری و فرمانده پیشین اطلاعات ارتش مصر یعنی ژنرال عبدالفتاح سیسی به‌عنوان وزیر دفاع منصوب می‌شود. در کنار رعایت تشریفات از نوع یاد شده در بالا، محمد مرسی در شب همان روز به نهاد دینی و دیرپای مصر یعنی دانشگاه الازهر می‌رود و طی سخنانی کاملاً دینی و مذهبی با ادبیات شب قدری، دلایل و انگیزه‌های خود را از اقدام مربوط به نهاد نظامی تشریح کرده و حمایت و جانبداری آنها را جلب می‌کند. این رشته اقدامات جانبی رییس‌جمهور مصر، از یک سو مغلوب و مغضوب شدن ژنرال‌ها در این چالش بزرگ را منتفی می‌کند و از سوی دیگر، اقدام ضروری خارج کردن نظامیان از کریدورهای سیاست و بازگرداندن آنها را به پادگان‌های نظامی عملی می‌کند.

ارزیابی دیدگاه و موضع اسرائیل در قبال این تحول بسیار مهم در مصر آنقدر اهمیت دارد که بسیاری از کارشناسان و ناظران سیاسی را بدین باور سوق داده است که کابینه دولت رژیم صهیونیستی که تنها دو روز پیش از صدور فرمان محمد مرسی برای اعطای اختیارات شبه‌مطلق به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، به منظور اتخاذ تدابیر ضروری در قبال پرونده هسته‌ای ایران تشکیل جلسه داد، ممکن است بسیاری از گزینه‌های رژیم صهیونیستی را به حالت تعلیق درآورد.

مطبوعات و کارشناسان اسرائیل با نگرانی بسیار زیاد این تحول مصر را پی‌گیری می‌کنند. یادمان نرود رژیم صهیونیستی از پیروزی جنبش اخوان المسلمین در انتخابات عمومی ریاست‌جمهوری مصر نتوانست نگرانی خود را پنهان کند. تنها تمنا و امید رهبران رژیم صهیونیستی این بود که حاکمیت سیاسی در مصر به صورت دوپایه‌ای باقی بماند؛ زیرا در این صورت پرونده روابط مصر و اسرائیل به‌گونه‌ای مطلق در اختیار شورای عالی نظامی باقی می‌ماند و اسرائیل پرونده کاملی از چگونگی رفتارها و تمایلات و باورهای شورای عالی نظامی و به‌طور مشخص ژنرال طنطاوی و ژنرال سامی عنان در اختیار داشت. یکی از کارشناسان روزنامه هآرتز چاپ تل‌آویو در واکنش به اقدام محمد مرسی مبنی بر برکناری طنطاوی و عنان و در مصاحبه با شبکه خبری الجزیره روز دوشنبه ۱۳ مرداد گفت که مرسی دیکتاتوری با اختیارات فراوان است و مشکل بزرگ اسرائیل این است که اطلاعات کاملی از محمد مرسی ندارد، چگونگی رفتار ژنرال طنطاوی برای اسرائیل قابل پیش‌بینی بود، اما تل‌آویو در موضوع محمد مرسی با فقر اطلاعاتی کشنده مواجه است و می‌داند که عدم شناخت کافی از یک شخصیت دارای اختیارات سرنوشت‌ساز آن‌هم در کشور مصر بزرگ‌ترین دشمن سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل محسوب می‌شود. در حال حاضر بزرگ‌ترین چالش اسرائیل این است که حجم نیروهای نظامی گسیل شده مصر به منطقه A در صحرای سینا بسیار بزرگ‌تر از حجم تعریف شده در قرارداد کمپ دیوید است. کارشناسان نظامی رژیم صهیونیستی، پس از شروع عملیات نظامی ارتش مصر در صحرای سینا که به گفته محمد مرسی، رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوای این کشور، با فرماندهی شخص وی صورت می‌گیرد، این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا این حجم از نیروی زرهی مصر پس از اتمام عملیات صحرای سینا به منطقه B عقب‌نشینی خواهد کرد یا اینکه محمد مرسی از اختیارات خود برای اعمال حاکمیت بی‌کم و کاست مصر در تمامیت ارضی مصر استفاده کرده و این حجم از نیروهای نظامی را در منطقه A ابقا خواهد نمود؟ در این صورت موافقت‌نامه کمپ دیوید عملاً دست‌خوش تغییر خواهد شد و نه اسرائیل و نه واشنگتن

هیچ‌کدام قادر به وادار کردن دولت مصر به تغییر این وضعیت نیستند؛ زیرا هم واشنگتن و هم تل‌آویو طی یک‌سال‌ونیم گذشته همواره از کوتاهی ارتش مصر در برقراری امنیت در مرزهای مشترک با فلسطین اشغالی انتقاد می‌کردند. در مجموع می‌توان گفت ممکن است معادله دیگری در صحرای سینا و خطوط آتش‌بس در این منطقه شکل بگیرد که چگونگی و مدت زمان آن برای رژیم صهیونیستی قابل پیش‌بینی نیست؛ زیرا به گفته بسیاری از کارشناسان امور راهبردی، منطقه خاورمیانه در همه سطوح سیاسی و نظامی‌اش آبستن پاره‌ای دگرگونی‌هاست.

ح